

سینمای کودک و نوجوان در بوته‌ی نقد

## کودکان و نوجوانان در فیلم‌های ایرانی (بخش ششم و آخر)

جبار آذین

### انقلاب در سینما

به موازات تغییرات اساسی‌یی که در تمام ارکان اجتماعی کشور با وقوع انقلاب اسلامی رخ داد، بدون تردید وضعیت و چگونگی ساخت و تولید آثار هنری و به‌ویژه هنر - صنعت سینما و به صورت بارزتر سینمای کودک و نوجوان نیز دچار تغییر و تحول گشت و در همین راستا عناصری که متعلق به سینمای پیش از انقلاب بود، به واسطه‌ی ورود عناصر ارزشی مرتبط با فرهنگ دینی و ملی به سینما از عرصه‌ی هنر هفتم تا حدودی زوده شد.

سینمای کودک و نوجوان به لحاظ قرار داشتن در کنار سینمای فیلمفارسی، عناصری را از آن به ودیعه گرفته بود؛ عناصر و مصالحی که هیچ‌گونه سختی با ویژگی‌ها و ساختار سینمای کودکان و نوجوانان نداشت و به جز ایجاد انحراف ذهنی و اجتماعی اقشار یادشده، هدفی را دنبال نمی‌کرد. نمایش زندگی انگلی انسان‌هایی بخت‌برگشته در فیلم‌های فارسی و تشریح و تبلیغ زندگی لمپنی در این عرصه باعث شده بود که در بافت بخشی از آثاری که در ارتباط با زندگی کودکان و نوجوانان یا برای آن‌ها ساخته می‌شد نیز همین عوامل دخیل باشند و این‌گونه بود که تصاویری از پدر معتاد به مشروب و مواد مخدر، پسر یا دختر منحرف و هم‌چنین صحنه‌هایی از رقص و موسیقی

و آواز مبتذل در فیلم‌هایی با عنوان کودکان و نوجوانان جای گرفت و مسلماً این مسایل - حال به هر شکلی که عرضه می‌شدند - نمی‌توانستند نزد کودک، عواملی سازنده و تربیتی تلقی گردند اما بعد از رخداد انقلاب اسلامی، مقوله‌های عشق و ایمان و شهادت، ایثارگری و فداکاری، توجه به ارزش‌های پایدار انسانی، معنویات، اتحاد و وحدت، جهاد و مبارزه و ... وارد جامعه شد و بر ابعاد و فرهنگ عمومی آن غالب گشت. موارد اخیر مهم‌ترین عناصر فرهنگی و اعتقادی‌یی بودند که کودک و نوجوان قبل و بعد از انقلاب را از یکدیگر متمایز کردند. انقلاب، وقوع جنگ تحمیلی، شرکت در جبهه‌ی حق - توسط نوجوانان - قرار گرفتن در زیر آماج موشک‌باران‌ها، مواجه شدن با کمبود وسایل زندگی، بروز حوادثی چون زلزله و سیل، تشکل نوجوانان در بسیج‌های امدادی و مبارزاتی، قرار گرفتن در جریان اخبار و رویدادهای سیاسی، حضور بخشی از خانواده‌های کودکان و نوجوانان - به‌طور عمده خانواده‌های مستضعف - در جبهه‌های نبرد جنگ تحمیلی و ...، مردم جامعه و از همین طریق کودکان و نوجوانان کشور را عمیقاً سیاسی کردند. به همین دلایل درک و توان کودک و نوجوان بعد از انقلاب به هیچ‌وجه قابل قیاس با همسن و سالان خودشان

در پیش از انقلاب نیست و این مسئله‌ی بسیار مهمی است که متأسفانه در آثار سینمایی تولیدشده‌ی سال‌های اخیر به آن بهای لازم داده نشده است.

در مقدمه‌یی که بر این سلسله مقاله نگاشتیم، از ویژگی‌های کودک و نوجوان سخن گفتیم و متذکر شدیم که سینمای متعلق به کودکان و نوجوانان باید با شناخت درست خصوصیات این اقشار در کنار استفاده از برترین تکنیک‌های سینمایی، زیبایی‌های بصری، بهره‌گیری از قالب، فرم و پرداختی مناسب با سنین آن‌ها و ... سمت و سوی خود را بیابد و حال یا جمع‌بندی نظرات ارایه‌شده در مقدمه‌ی یادشده، خواننده را به‌طور مشخص‌تر با سینمای کودک و نوجوان آشنایی کنیم.

سینمای کودک و نوجوان چه نوع سینمایی است؟ این سؤال مهمی است که همواره برای سینماگران و علاقه‌مندان به این نوع سینما مطرح بوده است و کسانی نیز در این ارتباط به ابراز نظر پرداخته و گفته‌اند:

سینمای کودک و نوجوان، سینمایی است که قصه‌اش را سراسرت تعریف کند و پیچ و خم نداشته باشد.

سینمای کودک و نوجوان باید پر از رنگ‌آمیزی‌های جذاب و باب سلیقه‌ی کودکان و نوجوانان باشد.

سینمای کودک و نوجوان، سینمایی است که بازیگران آن کودک و نوجوان باشند.

سینمای کودک و نوجوان، سینمایی است که در آن قصه‌یی برای کودکان نقل شود.

سینمای کودک و نوجوان محملی برای دادن آموزش‌های اخلاقی و سیاسی به آن‌هاست.

### ویژگی‌های کودکان و نوجوانان و سینمای آن‌ها

گروهی از فیلمسازان و نظریه‌پردازان سینمایی دست به تقسیم‌بندی موضوعی این نوع سینما زدند. آن‌ها می‌گویند: «سینمای کودکان و نوجوانان را می‌شود به چهار بخش تقسیم کرد؛ برای کودک، درباره‌ی کودک، به





بهانه‌ی کودک و با کودک».

البته در میان نظریه‌پردازان مورد اشاره نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد و بعضی به دو بخش از چهار بخش یادشده معتقدند و برخی دیگر به سه بخش از تقسیمات فوق‌الذکر دلبستانند.

آن چه مسلم است این که کلیه‌ی تعاریف و تقسیم‌هایی که ذکرشان گذشت، حاوی عناصری از حقیقت و واقعیت سینمای کودک و نوجوان‌اند و تا کنون کسی ادعا نکرده آن چه ابراز شده تمام واقعیت این نوع سینماست و مانیز چنین نمی‌گوییم. نظریه‌های یادشده تنها حاصل عنایت کلی به سینمای کودک و نوجوان و توجه به برخی از برجسته‌ترین خصوصیات مخاطبین این نوع آثار و این نوع سینماست. در نظریه‌هایی که برشمردیم جای ویژگی‌های اکتسابی کودکان و نوجوانان در بعد از انقلاب - آن گونه که پیش‌تر ذکرش رفت - خالی است و ما سعی داریم با دخالت دادن آن عناصر، به مرزبندی و تعریفی روشن‌تر از سینمای کودک و نوجوان دست یابیم. همان‌طور که گفتیم پیش از هر چیز باید شناخت روشن و درستی از کودکان و نوجوانان داشته باشیم و به همین دلیل در ذیل عمده‌ترین وجوه شخصیتی اقتشار یادشده را فهرستوار می‌آوریم، آن هم با این انگیزه که توسط سینماگران و دست‌اندرکاران سینمای کودک و نوجوان به کار گرفته شوند، منتها لازم است که قبل از این موضوع، به صورت گذرا، وضعیت توجه به کودک و نوجوان را در عرصه‌ی ادبیات فهرست‌گونه و آماری از نظر شما عزیزان بگذرانیم. از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۶ یعنی در عرض ۱۱ سال در مجموع ۱۶۹۱ عنوان کتاب در کشور برای کودکان و نوجوانان چاپ و منتشر شده بود ولی در عرض ۱۰ سال یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۶، ۲۶۴۹ عنوان کتاب برای آن‌ها تهیه شده و انتشار یافته که این مورد از رشد سریع کودکان و نوجوانان و توجه مثبت نویسندگان و ناشران به مخاطبین خردسال است. اما ویژگی‌های عمومی کودکان و نوجوانان به قرار ذیل است:

الف- ذهن کودک پاک، سالم و چون آینه است. او می‌تواند آن چه را که می‌بیند و می‌شنود به سادگی هرچند ناقص دریافت کند و آن را - باز هم هرچند ناقص - منعکس کند.

ب- کودک و نوجوان شیفته‌ی کشف و فراگیری چیزهای جدید و مسایل دور و اطراف خویش هستند.

پ- کودک و نوجوان - با توجه به شرایط سنی هر قشر - شیفته‌ی هیجان هستند بدیهی است آثاری که به طریق نادرست هیجان‌های کاذب به آن‌ها می‌آموزند، بدآموزند.

ت- درک و پذیرش کودک و نوجوان - با توجه به شرایط سنی هر قشر - متفاوت است. آن‌ها خیلی چیزها را به آسانی و بعضی از مسایل را به دشواری می‌فهمند کودکان و نوجوانانی که دارای امتیازهای والایی از نظر هوش و توانمندی هستند یا از نواقصی در این ارتباط برخوردارند موضوع بحث ما را تشکیل نمی‌دهند.

ج- فرهنگ خانواده؛ این امر حایز اهمیت خاصی است و بدون شک همه‌ی خانواده‌ها دارای ارزش فرهنگی یکسانی نیستند و اقشار مختلف جامعه به شیوه‌ی ویژه‌ی زندگی کرده و فرهنگ خود را به صورتی خاص به فرزندان خویش منتقل می‌کنند.

چ- تربیت کودک در خانواده؛ باز هم بدیهی است که هر خانواده بسته به میزان فرهنگ و فهم و درک خویش تربیت مؤثری را در حق فرزندانش روا می‌دارد.

ح- وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده؛ این مسئله از ویژگی‌های تشکیل‌دهنده‌ی شخصیت کودک و نوجوان است و طبیعی است که کودک و نوجوان مرفه با همسین و سال‌های خود از طبقه‌ی زحمتکش جامعه فرق دارد و در جامعه نیز هر کدام با هم‌کیش خود مرتبط‌اند.

خ- سلیقه‌های. کودک و نوجوان؛ به جز مواردی خاص همه‌ی کودکان و نوجوانان

- به‌ویژه دخترها و پسرها - هم‌سلیقه نیستند. هر کس از نوعی لباس، غذا، وسایل تحریر و ... خوشش یا بدش می‌آید.

د- تخیلات کودک و نوجوان؛ با توجه به شرایط سنی هر قشر، کودکان و نوجوانان متناسب با محیط زندگی، امکاناتی که در دسترس دارند - تربیتی، آموزشی و تفریحی - نحوه‌ی ارتباط با رسانه‌ها، اعضای خانواده و اجتماع و ... تخیلات خود را به نوعی بارور می‌سازند و این باروری با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها عجین می‌شود.

ذ- تفرکات کودک و نوجوان؛ طبیعی است که آن چه یک کودک فقیر به آن می‌اندیشد با آن چه یک اشراف‌زاده فکر می‌کند در اغلب مسایل متفاوت است. هم‌چنین قوه‌ی تعقل و تفکر در کودکان و نوجوانان متفاوت است.

ر- بازی‌ها و تفریحات؛ در این مورد نیز کودکان و نوجوانان با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند، متفاوت عمل می‌کنند. طبیعی است کودکی که درست تغذیه نمی‌شود از وسایل مدرن بازی به‌دور است و این وسایل را خاک و خل تشکیل می‌دهند اما دیگران ...

ز- قهرمان‌بازی و قهرمان شدن؛ کودکان و نوجوانان با در نظر گرفتن موقعیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و هم‌چنین طرز پرورش و تربیت، قهرمان‌های متفاوتی دارند. آن‌ها سعی دارند تا با نزدیک کردن خود به فلان الگوی شخصیتی، مانند او قهرمان باشند و روشن است که قهرمان‌های کودکان بالانشین خفاش و رمبو هستند و پهلوانان بچه‌های پایین‌شهر را حسین فهمیده، جهان‌پهلوان تختی و ... تشکیل می‌دهند.



ژ- کودک و نوجوان و مدرسه؛ این که هر کدام از اقبال کودکان و نوجوانان چه نوع مناسبی با مدرسه، آموزش در آن جا، همکلاسی‌ها و معلمان دارند، با توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها متغیر است!

کودکان و نوجوانان وجوه مشترکی نیز با یکدیگر دارند، مانند پرعاطفه بودن، بازی، شوخی و تفریح کردن، حس ماجراجویی و کنجکاوی و ... که اغلب فیلمسازان فعلی ما فقط به وجوه مشترک پادیده توجه می‌کنند و در نتیجه آثاری ارایه می‌دهند که همه چیز در آن یافت می‌شود، مگر انگیزه‌ی سالم فیلمسازی و مخاطب مشخص!

آن چه از نظر تان گذشت، ابعاد مهم وجودی اقبال کودکان و نوجوانان در جامعه‌ی ماست و بسیار بدیهی است فیلم‌هایی که برای این گروه تولید می‌شوند باید دربرگیرنده و منعکس کننده‌ی خواسته‌ها و آمال و آرزوهای کودکان و نوجوانان باشند. با توجه به توضیحات مذکور می‌توان نتیجه گرفت که سینمای متعلق به کودک و نوجوان باید: ۱- هدف داشته باشد

۲- مخاطب خود را مشخص کند ۳- با توجه به تعلق خاطر کودکان و نوجوانان، قصه‌گو باشد ۴- پیچیدگی‌های عجیب و غریب نداشتند؛ برای مثال زوایای دوربین در آن گیج‌کننده نباشد ۵- تقسیم‌بندی‌های اصولی داشته باشد و فیلمی برای همه‌ی کودکان - که امری نادرست است - و مخاطب هیچ کس (!) تولید نشود، چرا که چنین اثری دربرگیرنده‌ی هیچ کدام از ویژگی‌های اساسی اقبال مختلف جامعه نخواهد بود و در نهایت فیلمساز سعی خواهد کرد با توسل به موسیقی و انواع جقه‌ها و ترفندهای تصویری به نحوی همه را راضی کرده و گیشه را بسازد!

۶- واقعیت‌های زندگی کودکان و نوجوانان را مد نظر قرار دهد و با افسانه‌پردازی و ایجاد سرگرمی‌های صرف آن‌ها را فریب ندهد

۷- از رنگ‌آمیزی مناسب در فیلم با توجه به نوع داستان و ساخت اثر استفاده کند که برای مخاطبین امری لازم است ۸- از تکنیک بالای سینمایی آن هم به صورتی درست بهره گیرد ۹- از داستان‌های مطابق با فرهنگ مردم و با پرداخت مناسب شخصیت‌ها و چوادی جذاب بهره برد ۱۰- از تقلیدگرایی، کلیشه‌سازی، قهرمان‌پروری کلاب، ارایه‌ی الگوهای نادرست، تمثیل و سمبل‌سازی دور

از ذهن، ساخت روشنفکرانه‌ی فیلم (!) و ... پرهیزد ۱۱- به خلیات، فرهنگ، درک و اندیشه، سواد، سلیقه، باورهای اعتقادی و دینی و ... کودکان و نوجوانان توجه کامل داشته باشد ۱۲- از موسیقی مناسب و تصاویری زیبا استفاده کند و ...

دانستیم که سینمای کودک و نوجوان باید حاوی چه چیزهایی باشد، حال با عنایت به این امر می‌توان گفت سینمای کودک و نوجوان، سینمایی است هدفدار که با توجه به ویژگی‌های شخصیتی مخاطبانش و با استفاده از تکنیکی خوب، حرفی درست را با کودکان و نوجوانان در میان می‌گذارد؛ به عبارت درست‌تر سینمای کودک و نوجوان، سینمایی است که به زبان او و با او سخن می‌گوید و انعکاس‌دهنده‌ی زندگی کودکان و نوجوانان است. با آن که سینمای کودک و نوجوان بازگوکننده‌ی زندگی عینی و ذهنی کودکان و نوجوانان به زبان تصویر است و با در نظر داشتن مسایل مطروحه، بهتر است بینیم این سینما بعد از انقلاب تا چه حدودی به دنیای مخاطبانش نزدیک شده است.

### ۱۳۵۸: به سوی سینمای راستین کودک و نوجوان

سینمای کودکان و نوجوانان در بعد از انقلاب به موازات حرکات اجتماعی و فرهنگی در سطوح مختلف جامعه دچار نوسان بود اما در مجموع به دنبال جریان‌های سینمایی افغان و خیزان به جلو رفت. این در حالی بود که سینمای حرفه‌ی ایران هنوز در برزخ ارایه‌ی

فیلم‌هایی با مضامین تازه یا تولید آثاری به شیوه‌ی گذشته قرار داشت. «حکم تیر» ساخته‌ی «ایرج قادری»، «به دادم برس رفیق» ساخته‌ی «مهدی فخیم‌زاده»، «روزهای بی‌خبری» به کارگردانی «امیر شروان»، «نفس‌گیر» ساخته‌ی «محمود کوشان» و ... بر اساس الگوهای فیلم‌سازی ساخته شدند و آثاری چون «شهادت» ساخته‌ی «لودتزر بیگر»، «پیش تاریخ» کار «حسین فردوست و داوود کنعانی»، «ایله القدر» و «جنگ اطهر» ساخته‌ی «محمدعلی نجفی»، «سقوط ۵۷» کار «باربد طاهری» و ... با توجه به اوضاع انقلابی و جو حاکم بر جامعه و در جهت ثبت بخشی از حرکت‌های انقلابی مردم به وجود آمدند. مهم‌ترین ویژگی فیلم‌های حرفه‌ی که بویی از تعهد در آن‌ها به مشام می‌رسد، محتوای شبه سیاسی آن‌هاست و فیلم‌هایی که در چارچوب سینمای کودک و نوجوان خلق شدند، به صورت عمده یا در حاشیه به سیاست و انقلاب نظر داشتند. به طوری که از میان دوازده فیلمی که در این سال ساخته شدند، در همین سال، ساخت تعدادی فیلم از سال‌های پیش‌تر آغاز شده بود که شامل رقم یادشده نمی‌شود. مشخصات فیلم‌های تولید و عرضه‌شده در سال ۱۳۵۸ به این قرار است:

«آینه» (تولید سیمای جمهوری اسلامی ایران، نویسنده و کارگردان: حسین محبوب، ۱۶ م.م. رنگی، داستانی). آینه خط داستانی ساده‌ی دارد، یک جوان که در مغازه‌ی عتیقه‌فروشی کار می‌کند از سوی صاحب مغازه مأمور می‌شود تا یک شیشه را به فردی



که در بالای شهر ساکن است برساند. او که خود گودنشین است در طی مسیر تا رسیدن به مقصد دوگانگی و تضاد بین محله‌های فقیرنشین و اماکن ثروتمندان را می‌بیند و به آگاهی‌هایی تازه دست می‌یابد. «حسین محبوب» با آرایه‌ی آینه، آینه‌ی تمام‌نما از فقر و فلاکت اجتماعی و رفاه‌زدگی سرمایه‌داران را عرضه کرده است. فیلم ساختی ساده و روان دارد و با آن که اهداف سیاسی فیلمساز به شکل بسیار روشنی از لابه‌لای تصاویر آن هویداست ولی موجبات خستگی و بی‌حوصلگی بیننده را فراهم نمی‌آورد. انتخاب تصاویری گویا و سنجیده، تحرک خوب دوربین و بازی‌های حساب‌شده، از امتیازات فیلم آینه است و رک‌گویی تا حد اغراق در عرضه‌ی نماهایی از فقر و غنا فیلم را شعارگو نمایانده است که با عنایت به ویژگی‌های سال ۵۸ و گستردگی تب و تاب شعارگویی در تمامی عرصه‌های جامعه، این امر چیزی شگفت‌انگیز را نمی‌نماید.

«تلاش» (تولید کانون، نویسنده و کارگردان: محسن تقوایی، ۲۵ م.م. رنگی، ۱۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه، داستانی). تلاش از فعالیت غیرآگاهانه و بی‌ثمر یک پسر بچه که ماهیگیری نمی‌داند اما درصد است این کار را انجام دهد، سخن می‌گوید. پسر بچه که از تلاش خود ثمری نمی‌بیند موفق به گرفتن ماهی نمی‌شود و در انتها ناگزیر می‌گردد تا به دیگران ببیند و در اتحاد با آن‌ها به صید بپردازد. فیلم تلاش نیز درصد آرایه‌ی محتوای مورد پسند جو و موقعیت آن سال‌ها یعنی اتحاد و وحدت است. صرف‌نظر از دید شعارگویی فیلمساز، تلاش به لحاظ فیلمبرداری نسبتاً خوب و همسویی سازندگانش با حرکت‌های انقلاب قابل تقدیر است.

دیگر آثار سال ۵۸ عبارت‌اند از: «چاشت» (کارگردان و تهیه‌کننده: سیاوش قبادی، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۸ دقیقه، مستند)، «چنین‌کنند حکایت» (تولید کانون، کارگردان: محمدرضا اصلانی، ۳۵ م.م. سیاه و سفید، ۴۱ دقیقه، داستانی)، «رادیو و تلویزیون» (تولید سیمما، نویسنده و کارگردان: سعید نادری، ۱۶ م.م. رنگی، ۳۰ دقیقه، مستند آموزشی)، «فتگر» (تولید کانون، کارگردان: ناصر زراعتی، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۱ دقیقه، مستند آموزشی)، «زنگ انشا» (تولید سیمما، نویسنده و کارگردان: سعید نادری، ۱۶ م.م.

رنگی، ۳۰ دقیقه، داستانی)، «سه‌شنبه‌ی آخر» (تولید کانون، کارگردان: فتحعلی اویسی، ۲۵ م.م. رنگی، ۳۵ دقیقه، داستانی)، «شاهد» (تولید کانون، نویسنده و کارگردان: رضا علامه‌زاده، ۲۵ م.م. سیاه و سفید، ۳۰ دقیقه، داستانی)، «مطبوعات» (تولید سیمما، نویسنده و کارگردان: سعید نادری، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۲ دقیقه، مستند) و «شهریه‌ی خبرچین» (تولید کانون، نویسنده و کارگردان: جواد کهنمویی، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۲ دقیقه، داستانی).

سینمای کودک و نوجوان در این سال شاهد تولید و عرضه‌ی حتی یک فیلم سینمایی در این عرصه نشد اما در زمینه‌ی انیمیشن فیلم‌های ذیل ساخته شدند:

«بچه‌های زاله» (تولید سیمما، کارگردان و تهیه‌کننده: حسن تهرانی، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۶ دقیقه، مستند)، «تقلید» (تولید کانون، نویسنده و کارگردان: وجیه‌الله فرد مقدم، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۲ دقیقه، داستانی) و «چوپان دروغگو» (تولید سیمما، نویسنده و کارگردان: کیوان ممتازی، ۱۶ م.م. رنگی، ۲ دقیقه و ۲ ثانیه، داستانی).

«کیوان ممتازی» فیلم چوپان دروغگو را بر اساس داستان مشهوری که در این ارتباط بین مردم وجود دارد ساخته است. بر مبنای این داستان، چوپانی همواره مردم را به کمک می‌طلبید و ادعا می‌کرد که گرگ به گله‌اش زده است و هر بار که مردم به یاری وی می‌شتافتند، صحبت‌هایش را دروغ می‌یافتند تا آن که یک روز به راستی گرگی به گله‌ی چوپان حمله می‌کند و چوپان مردم را فرامی‌خواند اما هیچ کس به یاری‌اش

نمی‌آید و گرگ، گوسفندان را می‌خورد. چوپان دروغگو یک فیلم ساده و به‌دور از تکنیک‌های پیچیده‌ی فیلمسازی است که مخاطب خردسال را سرگرم می‌کند.

«فریبکار همیشه حاضر است» (تولید سیمما، کارگردان: کیوان ممتازی، ۱۶ م.م. رنگی، ۹ دقیقه و ۴ ثانیه، داستانی) و «مرد و پرنده» (تولید کانون، کارگردان و تدوینگر: خاچیک خاچاطور آکوبیار، ۲۵ م.م. رنگی، ۱۵ دقیقه، داستانی).

یک مرد چوپان حین استراحت شیفته‌ی پرنده‌ی می‌شود و موقعیت و گوسفندانش را از یاد می‌برد و زمانی به خود می‌آید که گرگ همه‌ی گوسفندانش را دریده است. مرد و پرنده از خیال‌پردازی و دل خوش کردن به رؤیای غیرواقعی انتقاد می‌کند. «آکوبیار» در تقابل با اندیشه‌ی ذهن‌گرایی از توجه به واقعیات می‌گوید و ذهنیت‌گرایی مطلق را آفتی برای از بین بردن حقایق عینی می‌داند. فیلم یادشده به صورتی موجز و زیبا به مخاطبین خردسالش درس هوشیاری و دانایی می‌دهد.

«چهار فصل» (تولید سیمما، کارگردان: مهوش تهرانی، ۱۶ م.م. رنگی، ۶ دقیقه و ۷ ثانیه، مستند آموزشی) ■

■ مطلب تحلیلی کودکان و نوجوانان در فیلم‌های ایرانی تا مقطع سال ۱۳۸۰ توسط نگارنده، نوشته شده است که فقط بخش نخست آن، تا سال ۱۳۵۸، در «نقد سینما» چاپ شد. اگر توفیق حاصل شد در زمان‌های مقتضی ادامه‌ی این نوشتار چاپ خواهد شد.